دو نهضت اصلاحی دینی در هند قدیم

الامام، سید مطیع

مذهب جین مذهب مهاویر به«مذهب جین»موسوم گردید.«جین» باعتبار لغت کسیست که پیرو«جین»یعنی«فاتح»می‏باشد و کلمهء«جن»از کلمهء «جی»سنسکریت مشتق است که معنی آن«فتح کردن»است بدین لحاظ«جن»کسی است‏ که بر نفس خود غالب شده و بدین طریق بر مقام مردم کامل رسیده است و مقام او برای‏ دیگران در میان حیات و نجات بمرتبهء پلی می‏باشد که مردم در پیروی او میتوانستند از آن پل گذشته و از گناهان نجات بیابند.1

نام حقیقی مهاویر وردهمان (Vardhamana) بود.او در ناحیهء شمال بهار در خانوادهء چهتری بوجود آمد2.تاریخ ولادت او را در 599 ق-م گفته‏اند3.اجداد و پدر و مادر از متمولین دورهء خود بشمار می‏رفتند و پیرو فرقهء نیرگر بودند که مؤسس آن‏ شخصی موسوم به پارشوناتهه بود4.

چون مهاویر به سن رشد رسید طبع او بجانب ترک و تفکر مایل گردید. پدر او نمی‏خواست که مهاویر ترک تعلقات دنیاوی کرده بدنیای تفکر فرورود بدین‏ سبب او را مجبور بازدواج نمود،و از آن پیوند دختری تولد یافت ولی باوجوداین‏ نوع تعلقات دنیاوی مهاویر از عقیدهء خود برنگشت.ارادهء ترک را تا حیات پدر و مادر خود (1)- (Bihar through the ages) ص 129

(2)-ایضا ص 125

(3)-ایضا ص 130 طبق روایتی که در همین کتاب(ص 128)ذکر شده است سال‏ وفات مهاویر 377 یا 387 ق-م است و چون او در هفتاد سالگی(ص 127)وفات یافت سال تولدش‏ را میتوان در 537 یا 577 ق-م تعیین کرد.

(4)- (Bihar through the ages) ص 136

در معرض التوا گذارد1.

مهاویر سی سال داشت که پدر و مادر او درگذشتند،و او بعد از فوت آنان ترک‏ روابط دنیاوی گفت و در جنگلها رفت،و به عبارت و ریاضت مشغول گردید و مدت ریاضت‏ او دوازده سال طول کشید در سال سیزدهم در موقعی که او در ساحل رودخانهء دامور (Damodar) در بخش هزاری باغ در استان بهار در پای درختی به مراقبه نشسته بود که‏ تجلی الهی نصیب او گردید2.

بعد از آن مهاویز از جنگلها به آبادیها رفت و با مردم ملاقات نمود و به تبلیغ عقاید خود مشغول گردید.اولین پیروان او یازده نفر از برهمنانی بودند که بعد از تحصیل‏ کمال به تبلیغ دین مهاویر مشغول گردیدند و در موقع وفات مهاویر3چهارده هزار مرد و سی و شش هزار زن ترک دنیا گفته در حلقهء دین او درآمده بودند4.و بیم بیسار فرمانروای‏ مگده نیز به عقاید مهاویر علاقه داشت و اعلام نمود که هرکسی ترک دنیا گفته در حلقهء دین مهاویر درآید پادشاه کومک مالی خویشاوندان او را بعهدهء خود گیرد5.

عقیدهء به خدا و جزا و سزا در مذهب جین وجود ندارد.اساس عقیدهء او دربارهء کائنات و حوادث آن مبنی بر کرم (Karam) است که از لحاظ لغت بمعنای«عمل»آمده‏ است،ولی طبق فلسفهء جین«کرم»لطیف‏ترین ماده‏ایست که بر عملیات قوای ذهنی و صوتی‏ و مادی عمل کند در صورتیکه روح در جسم می‏باشد و مادهء مزبوره در نیروئی هشتگانه‏ منقسم شده صفات اصلیهء روح را متأثر می‏کند6.بعقیدهء مذهب جین هرذی روح‏ میتواند از روی عقیدهء تجدید حیات بدرجهء«ارهت» (Arhat) یا مرد کامل برسد،و بدین‏ سبب کشتن هرذی روح در این مذهب به شدت ممنوع است‏7.

برای پیروان مذهب جین لازم است که در موقع ورود در حلقهء این مذهب‏ دربارهء پنج چیز سوگند خورند و در زندگانی خود بر آن عمل کنند8.

(1)- (Bihar through the ages) ص 126

(2)-ایضا ص 129

(3)-ایضا ص 128

(4)-ایضا ص 127

(5)- (Bihar through the ages) ص 127

(6)-ایضا ص 136

(7)ایضا ص 136-137

(8)-ایضا ص 135 و 130

وحید » شماره 31 (صفحه 599)

1-عدم تشدد.

2-راست گفتاری.

3-پرهیز از دزدی.

4-ترک دنیا.

5-تجرد.

مذهب جین به ترک و تجرد اهمیت فوق العاده‏ای می‏دهد و مهاویر معنی تجرد را تا حدی قرار داد که پیروآن مذهب از لباس هم عاری بماند1،و یکی از فرق مذهب‏ جین که به«دیگمبر»موسوم است برای پیروان خود استعمال لباس را هم ممنوع قرار داده است‏2.

پیروان خصوصی مذهب جین زندگانی خود را در جنگلها بسر می‏برند و فقط برای بدست آوردن نان و نمک به آبادی‏ها می‏آمدند و گدائی می‏کردند.بر قرار داشتن‏ روابط جنسی نیز برای آنان ممنوع بود،البته پیروان عمومی مذهب جین از عملیات شدید مزبوره معاف بودند.

بعد از فوت مهاویر که بعضی در سال 377 ق-م و بعضی در 387 ق-م میدانند و بعضی عقیده دارند که در سال 527 ق-م اتفاق افتاده است‏3،مذهب جین در فرقهء بزرگ موسوم به 1-«دیگمبر»و 2-«شویتامبر»منقسم گردید.

پیروان فرقهء اول بشدت بر تجرد عمل می‏نمودند،و از لباس هم عاری بودند، فرقهء دوم لباس سفید می‏پوشیدند.در میان آنها اختلافات دیگر هم وجود دارد4.

مذهب بودائی بودا نیز مانند مهاویر از یک خانوادهء چهتری بود-نام اصلی‏ او«سدهارت» (Siddhrtha) است ولی بنام خانوادگی خود بعنوان«گوتم» (Gautama) معروف است.پدرش«شود هودن» (SvddHodana) رئیس قبیلهء شاکیا و بدین لحاظ (1)- (Bihar through the ages) ص 126

(2)-تاریخ پاکستان و هند،تألیف غلام رسول مهر،ص 36

(3)- (Bihar through the ages) ص 127-128

(4)-راجع به تاریخ ولادت و وفات مهاویر اختلافاتی وجود دارد برای بحث در این زمینه‏ رجوع کنید (Bihar through the ages) ص 127،128،130 و 131

(5)-(الف)تاریخ پاکستان و هند ص 36 و(ب) (Bihar through the ages) ص 135

شخصی متمول بوده است‏1.گوتم در 623 ق-م تولد یافت.2مولد او«لومبینی گرام» (LumBini Grama) است که در ناحیهء جنوبی ملک نیپال میباشد.در آن ایام پدرش‏ پیر شده بود.گوتم در شانزده سالگی با دختری موسوم به«یشودرا» (Yasodhara) ازدواج کرد،و ازین ازدواج پسری تولد یافت که به«راهولا» (Rahula) موسوم گردید.

از اوایل سن رشد گوتم از کارهای لهوو(لعب)بیزار بود،و او یک نوع اضطراب‏ در قلب خود حس می‏کرد.پدرش او را بسیار دوست می‏داشت و ساعی بود که گوتم از معائب و آلام دنیاوی بی‏خبر ماند3.

روزی گوتم بر کالسکه سوار شده از قصر خود بیرون میرفت که نظر او بر سه منظره‏ افتاد اول:پیرمردی را دید،دوم:بیماری را دید،سوم:نظر و بر جنازه‏ای افتاد و هرچه دیده بود حقیقت آن را از کالسکه‏چی خود پرسید،کالسکه‏چی جواب داد که‏ ازین نوع احوال کسی را مفر نیست.گوتم در فکر فرورفت و بدین نتیجه رسید که او هرچه دیده بود نتیجهء فقط یک عمل است یعنی«پیدایش»و بس و اگر انسان تولد نیابد بدین احوال دوچار نگردد.

گوتم قدری پیش رفت و راهبی را دید که سرش تراشیده بود و عبای زرد کهنه‏ای‏ بر دوش داشت.گوتم از کالسکه‏چی پرسید:«این مرد کیست»کالسکه‏چی جواب داد «این شخصی است که دنیا را ترک گفته زندگانی راهبانه را اختیار نموده است:گوتم‏ بار دیگر در فکر فرورفت و چیزی نگفت.

گوتم از گردش برگشت و چون شب رسید وزن و بچه‏اش و کنیزکانی که برای‏ (1)-(الف) (Bihar through the ages) ص 139-(ب) (Buddhism) تألیف‏ (Christmas Humphreys) چاپ پن‏گوئن (Penguin) انگلستان 1951 م،ص 29-31

(2)- (Bihar through the ages) ص 139،دربارهء تولد و وفات گوتم بودا نیز اختلافات زیادی وجود دارد می‏گویند تولدش در 623 ق-م،و وفاتش در 533 ق-م اتفاق افتاده‏ است Bihar through the ages) ص 132)ولی مطابق روایتی چینی وفاتش در 486 ق-م‏ بوده است و چون گوتم بودا تا عمر هشتاد سالگی زیسته است طبق روایت چینی سال تولد را در 566 ق-م میتوان تعیین کرد.

کرسمس همفریز (Christmas Humphreys) در تألیف نامبرده خود در ص 31 تولد گوتم بودا را در سال 563 ق-م،و وفاتش را در 483 ق-م متعین کرده است.

(3)-(الف) (Bihar through the ages) ص 139(ب) (Buddhism) 31.

خدمت او معین بودند همه در خواب شدند او با آهستگی برخاست و کالسکه‏چی را همراه‏ گرفت و بر اسب سوار شده از خانه بیرون رفت.

چون گوتم بنزدیک جنگل رسید از اسب فرود آمد موهای سیاه و بلند خود را به شمشیر قطع کرد و به کالسکه‏چی داد،و گفت که بخانه ببر و به خانواده‏ام بسپار،لباس‏ فاخره را از برانداخت لباس درویشی پوشید و تنها در جستجوی حق و حقیقت روان شد1

این واقعه در سال 595 ق-م یعنی وقتی که گوتم بیست و نه سال داشت‏ اتفاق افتاد2در آغاز کار گوتم با تارکان دنیا ملاقات کرد و حل مشکلات خود را از آنان‏ جویا شد،ولی از جواب آنها اطمینان قلبی نیافت‏3

بعد از گردش‏های زیادی بهمراهی چند نفر از درویشان در ساحل رودخانهء «نیرجین» (Niranyana) زیر درختی نشست-این نشستگاه در محل«اورویلا» (Uruvela) بود که در نزدیکی شهر«گیائی» (Gaya) کنونی در استان بهار میباشد و درین‏جا برای‏ حصول تجلی ربانی بریاضت و مجاهدت پرداخت او مدتی درین عمل بسر برد،ولی بمقصود نرسید،چون در ایام ریاضت چیزی نخورده بود بدین سبب بسیار ضعیف گردید و نمیتوانست که بطوریکه باید بعبادت مشغول شود-بدین سبب او برای ادامهء عبادت و ریاضت خود تصمیم گرفت که چیزی بخورد تا قوهء ریاضت داشته باشد.درویشان دیگر ازین ارادهء او ناراحت گردیدند و اظهار نارضایتی کرده او را تنها گذاشتند و به جاهای‏ دیگر رفتند4در حقیقت ناقه کشیدن در موقع ریاضت و عبادت از اصول مذاهب هندو، و جین بوده است-گوتم از آن عقیده منصرف شد و«راه میانه‏ای»را اختیار کرد5

گوتم مراقبه خود را ادامه داد،و نزدیک بود که تجلی ربانی نصیب او گردد که«مارا»6یعنی قوهء شیطانی(سعی)نمود او را از مصائب بترساند،و حرص دنیا را در (1)- (Buddhism) ،ص 31(ب) (Bihar through the ages) ص 139

(2)- (Buddhism) ،ص 30

(3)-(الف) (Buddhism) ،ص 32(ب) (Bihar through the ages) ص 130

(4)- (Buddhism) ص 32

(5)-(الف) (Bihar through the ages) ص 142(ب) (Buddhism) ص 92-93

(6)-(الف)ایضا ص 142-143(ب)ایضا ص 32(ج)«فروغ خانه»تألیف هرمان‏ الدنبرگ،و ترجمهء فارسی از بدر الدین کتابی،اصفهان 1340 ه-ش،86-88 و 113-115 این کتاب را هوآی (Heoy) به زبان انگلیسی بعنوان his life,philosophy and order) (The Buddha, در 1888 م ترجمه کرد.

قلب او جای بدهد،و بدین طریق او را از راهی که رفته بود بازدارد،ولی چون گوتم‏ بر عقیده خود استحکام داشت پایش نه‏لغزید،و بتجلی ربانی و اصل گردید.این واقعه‏ در 589 ق-م،وقتی که او به سی و پنج سالگی رسیده بود اتفاق افتاد1واو بر مقام«بده» (بودا)یعنی«روشن ضمیر»فائز گردید2در وقت وصول به تجلی گوتم زیر همان‏ درختی بود که بر ساحل رودخانهء نیرنجن بوده است،و این واقعه روز چهاردهم ماه اتفاق‏ افتاد.بعد از حصول تجلی ربانی گوتم بودا به شهر معروف«بنارس»رفت،و نزدیک‏ بآن در محل سارناته اولین خطبه‏ای را درباری عقاید خود ایراد نمود و بعد از آن تا چهل‏ و پنج سالگی دیگر به تبلیغ و اشاعت عقاید خود مشغول بود3

اجات شترو،پادشاه مگده،و فرمانروایان ممالک دیگر نیز در تبلیغ عقاید او کومک نمودند،و او در دورهء طولانی تبلیغ دین خود بعضی اوقات در محل راجگیر اقامت‏ داشته است‏4بودا در 533 ق-م به سن هشتاد سالگی در محل کوشی‏نگر در بخش گور که بود (Gorakhpur) در استان اترپردیش کنونی جهان را وداع گفت‏5

عقاید دینی بودا چندی بعد از وفات بودا پیروان او مجلسی در محل‏ راج‏گریها (Rajgriha) (راجگیر کنونی)،که در آن دوران پایتخت سلطنت مگده‏ بود،تشکیل دادند6در این مجلس تعلیمات بودا را جمع‏آوری نموده در سه بخش قسمت‏ نمودند و آن را«تی پیتاکا»7 (Tipitaka) یعنی«سه سبد»نام نهادند.تعلیمات فوق بودا اولین بار در دورهء حکومت وتاگمانی (Vattagamani) ،فرمانروای سیلان(29-17 ق-م)بصورت سه کتاب تدوین یافت‏8

بعد از مجلس اول سه بار دیگر9بودائی‏ها مجالسی برای رفع اختلافات بین‏ (1)- (Bihar through the ages) ص 131

(2)- (Buddhism) ص 15

(3)- (Bihar through the ages) ص 130-131

(4)- (Bihar through the ages) ص 102 و 131

(5)-(الف) (Buddhism) ص 31(ب)فروغ خاور ص 186 198-192

(6)-(الف) (Bihar through the ages) ص 104-143(ب) (Buddhism) ،ص 45

(7)- (Buddhism) ،ص 234

(7)-(ایضا)،ص 233

(9)-(الف) (Bihar through the ages) ،ص 106-143-133-145-229 (ب) (Buddhism) ،ص 35-53

فرق خود تشکیل دادند:یکی صد سال بعد از وفات بودا در محل«ویشالی» (Visali) در بهار شمالی،دیگری در شهر«پالتی‏پتر» (Pataliputra) در دورهء حکومت اشوک‏ (268-232 ق-م)،و سومین در کشمیر در دورهء حکومت کنشک (Kanishka) فرمانروای قبیلهء کشان(120-162 م)1که پایتخت او در شهر پورو شاپور را (Purusapura) (پیشاور کنونی)2بود،و او معتقد بدین بودائی بود.

بودا بعقیدهء«چرخ حیات»(سمسار) (Samsara) معتقد بود،و مقصود او از «چرخ حیات»این بود که اعمال انسانی صورت علت و معلول است و طبق عقیدهء مزبوره‏ حیات فردی وجودهای مختلفه اختیار میکند و به«رنج»3و زوال‏4و فنا5مواجه‏ میگردد.بودا میخواست فرد را از سه حال مزبوره نجات بدهد6و تنها واسطهء نجات‏ از این احوال نجات از«جهل»7است.زیرا جهل سبب بوجود آوردن«خواهشهای»8 انسانی میگردد و بدین سبب سرچشمهء رنج میباشد9

(1)- (A concise history of the indian people) ،ص 60

(2)- (Buddhism) ،ص 52

(3)-یعنی«دکهه ẓ(Dukkha) رجوع کنید به (Buddhism) ،ص 81

(4)-یعنی«انسکا ẓ(Anicca) رجوع کنید به(ایضا)ص 39

(5)-یعنی«انتتا ẓ(Anatta) رجوع کنید به(ایضا)ص 39.در موضوع بقای روح بودا بطور قطع هیچ نگفته است.رجوع کنید به«فروغ خاور»ص 260-262

(6)-یعنی«نروان» (Nirvana) رجوع کنید به (Buddhism) ص 128-129 و«فروغ‏ خاور»ص 251-258

(7)-یعنی«اودیا» (Avidya) رجوع کنید به ص 122-152 و«فروغ خاور» ص 226-232

(8)-یعنی«سان کهارا» (Sankhara) که تمایلات ذهنی و جسمانی است و همه رنج از آن‏ ناشی میشود چنانکه بودا در موقعی گفت:

«سب سنکهارا دکهه» (Sabbe sankhara dukkha) یعنی«خواشهای و تمایلات‏ سبب رنج است».رجوع کنید به (Buddhism) ،ص 81 بدبینی دین بودائی از حس شدید رنج‏ سرمی‏زند.در این موضوع«بودا»در طی فتاوی خود در«بنارس»گفت:«ای راهبان اینست حقیقت‏ مقدس راجع برنج،تولد رنج است،پیری رنج است،بیماری رنج است،مرگ رنج است، پیوستگی با آنکس که دوستش نمی‏دارید رنج است،جدائی از آنکس که دوستش می‏داریم رنج است، بآرزوی خود نرسیدن رنج است رجوع کنید به«فروغ خاور«ص 200

(9)-برائی گفتاری از«بودا»در این موضوع رجوع شود به«فروغ خاور»ص 236

پس برای حصول نجات انسان باید خواهشهای خود را نابود کند و برای آوردن‏ عقیدهء مزبورهء«بودا»یک برنامهء مخصوص پیشنهاد کرده است که طبق آن شخص باید با خود عهدی ببندد تا از پنج چیز زیر اجتناب ورزد1:

1-زخم رسانیدن به ذی روح.

2-طلب چیزی که برای او نیست.

3-طلب روابط جنسی با غیر از زن خود.

4-دروغ‏گوئی.

5-مشروبات که تولید سستی میکند.

برای نابود ساختن«رنج»و رسیدن به درجهء«کمال»که بودا بآن رسیده‏ بود،پیروان خصوصی وی را باید از هشت عمل زیر پیروی نمایند2

1-فهم درست 2-اراده درست 3-گفتار درست 4-عمل درست‏ 5-روزی درست 6-کوشش درست 7-حافظه درست 8-تفکر درست.

برعکس(مهاویر)،«بودا»یک«نظام خانقاهی»را بوجود آورده بود3 بخواهش او خانقاه‏ها تعمیر نموده شد که موسوم به«ویهار» (Vihara) بود وقتی که‏ مسلمانان در 596-1199 شهری را،که در آن«وبهار های»زیادی بود فتح نمودند آن شهر و استان را نام«بهار» (Bihar) گذاشتند و از آن روز ببعد هر دو،(یعنی شهر و استان)بآن نام موسوم و مشهور گردید4

مذاهب جین و بودائی اگرچه در بعضی چیزها با یکدیگر اختلاف دارند، ولی هر دو مذهب بعقیدهء«اهمسا» (Ahimsa) یعنی«جانداران را نکشتن»متفق میباشد و حصول نجات را توسط قربانی جانداران نهی کرده‏اند،و ازین لحاظ از مذهب هند و (1)- (Buddhism) ص 232 و«فروغ خاور»ص 276

(2)-ایضا ص 110 و«فروغ خاور»ص 300

(3)-(ایضا)ص 132-133، (Bihar through the ages) ص 127-132 و 143 فروغ خاور ص 318

(4)- (Bihar through the ages) ،ص 51

یعنی«مذهب ویدائی»اختلاف زیادی دارد1ولی در نظریه«تجدید حیات»هر دو با مذهب هند و متفق میباشند2

مذهب جین و بودائی تقسیم طبقاتی مذهب هندو را انکار کرده است،و در جماعت خود تمام انسانها را بدرجهء برابری میدانسته است‏3راهنمایان هر دو مذهب‏ بجای سنسکریت،که تحصیل آن در میان هندوها محدود به طبقه برهمن بود «پراکریت» (Prakrit) یعنی زبان عمومی را واسطه تبلیغ مذاهب خود قرار داد4

اگرچه بودا بترک دنیا عقیده داشت،و یک سلسلهء راهبانه را تأسیس نمود، ولی پیروان خود را از مجاهدهء سخت و اذیت جسمانی،که مخصوص به مذاهب هندوها و جین‏ها بود،نهی کرد و در عبادت و ریاضت«راه میانه‏ای»را اختیار نمود5

مذهب جین از مرزهای شبه قاره بیرون نرفت،ولی مذهب بودا حدود و ثغور شبه قاره را عبور نموده،از نواحی افغانستان فعلی و وادی رودخانهء جیحون گرفته تا ممالک چین و ژاپون رفت-در اشاعت دین بودا دو نفر از پادشاهان بزرگ شبه قاره یعنی‏ اشوک(368-233 ق-م)و وکنیشک(120-163 م)مساعی زیادی بکار بردند،ولی جای‏ تعجب است که طبق سرشماری 1961 م فقط 181000 بودائی در هند که مولد دین‏ مزبور میباشد وجود داشته است.

(1)-(ایضا)ص 121-136-133 و (Buddhism) ص 78

(2)- (Buddhism) ص 103-105 و (Bihar through the ages) ص 131 و 136-137

(3)- (Bihar through the ages) ص 123

(4)- (Bihar through the ages) ص 176-177

(5)-(ایضا)ص 132